جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۸۲۰ | چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۸ | ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۳ | اذان مغرب: ۱۷:۱۳ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۳۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۰۹ |

دیده‌بان | محمد صادقی

قصه «صباح» دختر مبارز دفاع مقدس در رادیو

سریال رادیویی «صباح» که این روزها از رادیو نمایش پخش می‌شود داستان دختری مبارز و از خودگذشته در دوران جنگ تحمیلی است که از همه چیز دست شسته و پشت جبهه و خط مقدم رفته است تا از کشورش دفاع کند.

نازنین مهیمنی کارگردان «صباح» ضمن اعلام این مطلب افزود: برای انتخاب نقش این زن با توجه به اینکه بسیار مردانه رفتار می‌کرد، به دنبال صدایی لطیف و دخترانه می‌گشتم و به خاطر لطافت و پاکی‌ای که صدای مینو جبارزاده دارد او را انتخاب کردم که فضای نمایش خشک و بی‌روح نشود.

وی ادامه داد: در این نمایش از لهجه در کلام بازیگران استفاده نکردیم، دلیلش این است ما هیچ وقت نمی‌توانیم تمام لهجه‌ها را یک‌دست داشته باشیم. لهجه بوشهری با آبادانی فرق می‌کند، خرمشهری با اهوازی فرق می‌کند. اینها هر کدام لهجه‌های مختلفی دارند و نمی‌توانند یک‌دست باشند.

سریال رادیویی «صباح» به کارگردانی نازنین مهیمنی، تهیه‌کنندگی ژاله محمدعلی و با هنرنمایی هنرمندان اداره کل هنرهای نمایشی این روزها ساعت ۵:۴۵ صبح و تکرار آن ساعت ۱۲:۱۰ از رادیو نمایش پخش می‌شود.

«دل خوش» به بازنویسی نهایی رسید

نگارش مجموعه تلویزیونی «دل خوش» به نویسندگی حامد افضلی به بازنویسی نهایی رسید.

نگارش سریال «دل خوش» به مرحله بازنویسی نهایی رسیده است و با اضافه شدن تهیه‌کننده به سریال وارد مرحله پیش تولید می‌شود. این سریال در ۵۰ قسمت برای گروه فیلم و سریال شبکه ۵ سیما تهیه و تولید خواهد شد. هنوز کارگردان و تهیه‌کننده این سریال به طور قطعی مشخص نشده‌اند و قرار است به زودی و با پایان نگارش اعلام شوند.

این سریال از جمله سریال‌های اپیزودیک است که در هر قسمت یک قصه دارد، اما یک قصه عاشقانه ادامه‌دار نیز در داستان وجود دارد که شخصیت‌های ثابتی داشته و سایر اپیزودها بازیگرهای مهمان دارند.

در معرفی این سریال آمده است: «دل خوش» پیرامون خانواده‌ای است که در شرایط مالی قرار می‌گیرند و مجبور می‌شوند تا در روستایی ساکن شوند و در ارتباط با اهالی روستا ماجرایی کمدی و تا حدودی فانتزی را پدید می‌آورد.

«سه سپیده» کلید خورد

فیلم اکشن تلویزیونی «سه سپیده» به کارگردانی رحیم طوفان با بازی علیرضا جلالی‌تبار و رامین راستاد کلید خورد.

رحیم طوفان کارگردان و مدرس سینما که پیش از این فیلم سینمایی «یک کیلو و بیست و یک گرم» را روانه پرده سینماها کرده بود، این روزها مشغول تولید فیلم تلویزیونی «سه سپیده» در ژانر اکشن جنگی است.

«سه سپیده» با پروداکشن سنگین، عنوان فیلمی تلویزیونی است که تهیه‌کنندگی، کارگردانی و مجری طرحی آن بر عهده طوفان است و به سفارش سیمای استان‌های سازمان صدا و سیما در درجه «الف» در صدا و سیمای مرکز اردبیل تولید می‌شود.

این فیلم با مضمون ۴۰سالگی انقلاب در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۹۰ حول محور اتفاقات دی ماه ۱۳۵۷ در ایران است که تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت‌هایی که مجاهدین در طول این دوران انجام داده‌اند و از جان گذشتگی مدافعان حرم و رشادت‌های انقلابیون به تصویر کشیده می‌شود.

تصویربرداری سریال «نون.خ» به تهران می‌رسد

قرار است به زودی همراه با گروه تولید سریال به کردستان برویم و همچنین سکانس‌هایی را هم در تهران مقابل دوربین خواهیم برد که البته زمان دقیقی مشخص نکرده‌ایم.

به گزارش فارس، «مهدی فرجی» تهیه‌کننده سریال «نون.خ» به کارگردانی سعید آقاخانی در گفت‌وگو با فارس، گفت: مدت ۱۰ روز است که تصویربرداری در کرمانشاه آغاز شده است و همچنان در کرمانشاه هستیم.

وی با بیان اینکه از همان ابتدا قرار بود تصویربرداری در مناطق کردنشین ادامه داشته باشد، گفت: درست است در پایان پخش فصل اول «نون خ» گفته بودیم که دوست داریم فصل دوم این سریال در کردستان ضبط شود، اما در اصل منظورمان تصویربرداری در مناطق کردنشین بود، کما اینکه همین الان هم قرار است به زودی به کردستان برویم و همچنین سکانس‌هایی را هم در تهران مقابل دوربین خواهیم برد که البته زمان دقیقی مشخص نکرده‌ایم.

گفت‌وگوی «جوان» با عضو هیئت انتخاب اسکار بعد از حذف نماینده ایران

فکر می‌کردیم انتخاب‌مان حرف نویی از ایران دارد

اسامی هیئت انتخاب به علاوه رزومه‌شان برای آکادمی اسکار فرستاده می‌شود و آنها صلاحیت هیئت را تأیید می‌کنند و حتی ممکن است خود اسکار شخص معرفی شده را قبول نکند!

■ محمدصادق عابدینی

فیلم مستند «در جست‌وجوی فریده» که به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ معرفی شده بود، در مرحله اول انتخاب آثار حذف شد. با آنکه در طول ۴۰سال گذشته ایران تنها سه بار به مرحله نهایی انتخاب اسکار راه پیدا کرده است، اما حذف نماینده ۲۰۲۰ اسکار باعث انتقادهایی از نحوه انتخاب فیلم شد. تورج منصوری تهیه‌کننده و مدیر فیلمبرداری باسابقه سینمای ایران و عضو کمیته انتخاب فیلم برای اسکار در گفت‌وگو با «جوان» درباره نحوه انتخاب نماینده ایران توضیحاتی داده است.

آقای منصوری، از زمان انتخاب «در جست‌وجوی فریده» این انتقاد وجود داشت که چرا یک فیلم داستانی برای نمایندگی ایران در اسکار انتخاب نشد، اصلاً چرا یک مستند را انتخاب کردید؟

دلیل انتخاب فیلم «در جست‌وجوی فریده» این بود که می‌خواستیم گوناگونی سینمای ایران و این حقیقت را که در سینمای ایران اقسام گونه‌های سینمایی ساخته می‌شود، به دنیا نشان دهیم و اینکه فیلم بدون داشتن بازیگر حرفه‌ای و با استفاده از نابازیگر می‌تواند در اسکار موفق شود.

استفاده از نابازیگر یک بار هم برای فیلم «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی رخ داد که به جمع نامزدهای نهایی رفت!

بله، فیلم «بچه‌های آسمان» می‌شد یک سال زودتر به اسکار برود و اگر همان سال اول می‌رفت قطعاً اسکار می‌گرفت. متأسفانه سال اول یک فیلم دیگر از ایران نماینده شد که هیچ موفقیتی به دست نیاورد. سال بعد که فیلم آقای مجیدی نماینده شد، دیگر تازگی خود را از دست داده بود و از آن طرف به حریفی قدر برخورد کرد و نتوانست اسکار بگیرد. ما وقتی فیلمی را انتخاب می‌کنیم نمی‌دانیم که حتماً برنده می‌شود یا نه، بر اساس بحث و گفت‌وگو به نتیجه می‌رسیم و تا حدی که عقلمان می‌رسد سعی می‌کنیم انتخاب خوبی داشته باشیم، مثل همه دنیا که برای اسکار فیلم انتخاب می‌کنند. آیا هر سال فیلم‌های ارسالی از سینمای کره یا ژاپن اسکار می‌گیرند؟! من زمانی که «فروشنده» به اسکار رفت و موفق شد هم عضو هیئت انتخاب بودم، مگر آن زمان کسی از ما تشکر کرد که چه فیلم خوبی انتخاب کردید که حالا انتقاد کنند که چرا این فیلم انتخاب شده؟! ما تلاش می‌کنیم بهترین انتخاب را بر اساس نظر جمع انتخاب کنیم که گاهی انتخاب ما مثل «فروشنده» اسکار می‌گیرد و گاهی هم حذف می‌شود.

فیلم «بچه‌های آسمان» می‌شد یک سال زودتر به اسکار برود و اگر همان سال اول می‌رفت قطعاً اسکار می‌گرفت

فکر نمی‌کنید انتظار ما از اسکار زیاد شده است و فکر می‌کنیم هر سال باید اسکار بگیریم؟

نگاه کنید از همه دنیا برای اسکار فیلم ارسال می‌کنند و تنها یک فیلم جایزه می‌گیرد، یعنی برای تمام سینمای خارجی یک جایزه است که سینمای ایران تا به حال سه بار نامزد شده و دو بار هم جایزه را گرفته، خب یک سال انتخاب ما بر اساس محصول خوبی که تولید شده می‌شود فیلم «فروشنده» که می‌رود و جوایز را درو می‌کند، یک بار هم نگاه می‌کنیم می‌بینیم در تولیدات چیز خاصی نداریم و فیلمی نیست که جوایز خاصی را گرفته باشد.

این قاعده برای «در جست‌وجوی فریده» هم صدق می‌کند، در زمان انتخاب این فیلم شاید خیلی‌ها حتی اسمش را نشنیده بودند! چطور به آن مستند اعتماد شد؟!

تصور ما این بود که این مستند تازه در ابتدای کار است و با حضور در جشنواره‌های فیلم جایزه خواهد گرفت. «در جست‌وجوی فریده» فیلم سلامت و خوبی بود که یک پیام جهانی داشت. این فیلم درباره هویت صحبت می‌کند که دغدغه امروز جهان است. قطع نظر از اینکه چه کسی با این فیلم در هیئت انتخاب موافق بود یا مخالف، نظر جمع این بود که این مستند انتخاب شود و این خرد جمعی بود که این تصمیم را گرفت.

یک عده می‌گویند نماینده ایران باید فیلمی داستانی از منتخبان جشنواره فجر باشد، این انتقاد وارد است؟

هیچ کس منکر خوب بودن فیلمی مثل «متری شیش و نیم» که با بازیگران و عوامل حرفه‌ای ساخته شده و داستان خوبی دارد، نیست. همین طور فیلم «قصر شیرین» آقای میرکریمی یا فیلم خوب «سرخپوست»، هر کدام از این فیلم‌ها انتخاب می‌شد و در اسکار حذف می‌شد باز هم عده‌ای پیدا می‌شدند و می‌گفتند که چرا آن فیلم دیگر انتخاب نشد. بالاخره هر فیلم خوبی خودش را شایسته رفتن به اسکار می‌داند و اگر انتخاب نشود، طبیعی است که احساس ناراحتی کند و حتی گلایه هم کند، تا اینجای کار طبیعی است، اما نباید به خاطر انتخاب نشدن قاعده بازی را به هم بزنند و قوانین بازی را رعایت نکنند یا یارکشی کنند و روی منافع گروهی و جناحی پافشاری کنند.

از دیروز عده‌ای در شبکه‌های مجازی می‌گویند که انتخاب «در جست‌وجوی فریده» ناشی از یک لجاجت در هیئت انتخاب بوده است!

واقعاً اینگونه نبوده، لجاجت برای چه چیزی؟ در هیئت انتخاب به جز یکی دو نفر همه به نحوی در سینمای داستانی فعالند. تنها می‌شود گفت آقای رزاق کریمی که هم تهیه‌کنندگی مستند می‌کند و هم تهیه‌کننده سینمای داستانی است، در حوزه مستند کار کرده است. یک گروه جمع شده‌اند، حرف زده‌اند، بحث کرده‌اند و در نهایت به نتیجه رسیده‌اند. این حرف‌ها که می‌زنند فقط برای ضایع کردن زحمت آدم‌هاست. باید به این نظر احترام گذاشته شود. افرادی که در هیئت حضور دارند، افراد ناآشنا با سینما نیستند، اسامی اعضای هیئت به علاوه رزومه‌شان برای آکادمی اسکار فرستاده می‌شود و آنها صلاحیت هیئت را تأیید می‌کنند و حتی ممکن است خود اسکار شخص معرفی شده را قبول نکند! می‌توانم قسم بخورم انتخاب فیلم برای اسکار بدون هیچ نگاه شخصی صورت گرفت و تلاش شد فیلمی از ایران نماینده شود که تازگی داشت و می‌توانست سینمای ایران را از ابعاد دیگری مطرح کند.

حکمت

حکمت ۳۹۸

فخرفروشی خود را کنار بگذار و تکبرت را (از خود) فرو ریز و به یاد قبرت باش (برای آن آماده شو).

نما | حسین کشتکار

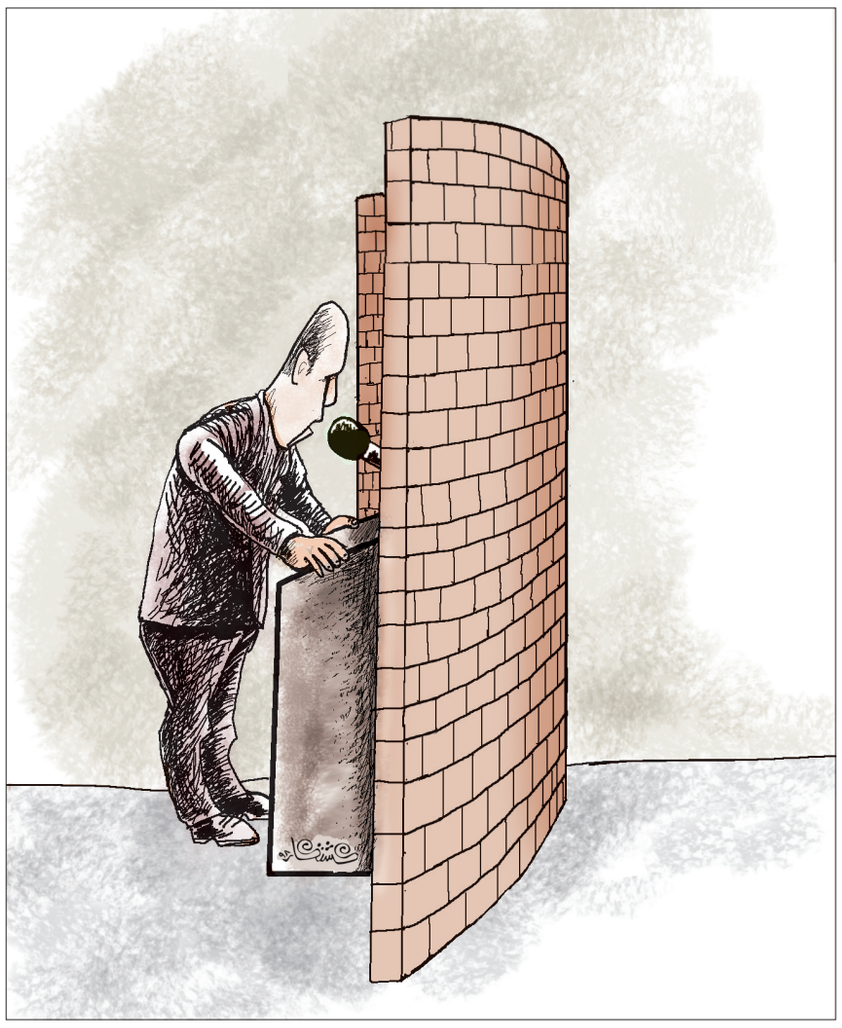

نگاهی به مستند «آدور»
برنده جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره «سینماحقیقت»

بی‌مادر، شناسنامه ندارم

■ علی کشاورز

مستند «آدور» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی روایت تلاش یک نوجوان برای دیدار مادر و ثبت هویت خویش است.

«آدور» در فرهنگ کرمان به بوته‌خارهایی مقاوم اطلاق می‌شود که بی‌دخالت و کمک انسان در بیابان رشد می‌کنند. این خودساختگی و مقاومت، ارزشمند و قابل احترام است. مصطفی، نوجوان کرمانی این مستند نیمه‌بلند به نوعی همان آدور و فرزند طلاق است که پس از ازدواج مجدد پدر و تهدید سپردنش به پرورشگاه، توسط نامادری از خانه می‌گریزد.

در انبوه معتادان حاشیه شهر، در خانه مادربزرگ، کنار عمویی معتاد، زندگی می‌کند. در اصطبل اسب‌ها مشغول کار است و مزدش را خرج عشقش، فوتبال می‌کند. اینها همه مقدمه‌ای بود تا به مشکلی برسیم که این خودساختگی را تحت‌الشعاع قرار دهد. مصطفی شناسنامه ندارد. تکلیف پدر در اعتیاد، ازدواج مجدد و بی‌مسئولیتی مشخص شده است و حالا دغدغه مصطفی پیدا کردن مادری است که تنها نامی از او باقی است پس او بدون حتی داشتن تصویری در ذهن یا عکسی از مادر، به دنبال او یا شاید زندگی بهتر در کنارش می‌رود.

محمدصادق اسماعیلی کارگردان این مستند، ساکن کرمان است. او با زیست، تحقیق و پژوهش و تجربه مستندهای قبلی در این استان به تکمیل شناخت و دانایی از سوژه و محیط پیرامونش می‌رسد. وی بخش‌هایی از زندگی شخصی، خانواده، حاشیه‌نشینی و شهر را صرفاً گفت‌وگو محور بیان نمی‌کند بلکه بنا به فضا به تصویر می‌کشد و به بهترین شکل تدوین و تأکید می‌کند؛ مسائلی که بیشتر جای تأمل و فهم دارد. بحران هویت و فقدان شناسنامه مصطفی با چند نما و دیالوگ از دوست افغانستانی او که درد و داستانی مشابه و آشناتر برای مخاطب دارد، بیان می‌شود. بی‌توجهی و جدایی زودهنگام پس از تولد مصطفی گفته شده ولی در صحنه گفت‌وگو با مادربزرگ، عمق فاجعه را که حتی مجال ختنه کودک نداده است، متوجه می‌شویم. خطر اعتیاد برای این نوجوان علاوه بر دیالوگ‌ها در نماهای حاشیه شهر و خانه (هنگام مصرف مواد توسط عمویش کنار تلویزیون) نیز تأکید می‌شود و تنهایی سوژه در نماهایی عموماً باز و عامدانه با نشان دادن محیط نامناسب و خشن پیرامون تصویر می‌شود.

دوربین اسماعیلی چنان با سوژه همراه و عجین و واقعی و روان است که متوجه نمی‌شویم کارگردانی و تصویربرداری در این تعدد لوکیشن در آن فضا و بافت خارج از شهر، جاده و... (اعم از امنیت، نور، حمل و نقل و...) و گاه حتی تعدد نما در یک لوکیشن (خانه، زمین فوتبال و...) در یک فیلم ۵۸دقیقه‌ای چقدر دشوار و فنی است. فیلمساز با شناخت کامل کاراکتر تمامی اعضای خانواده، دوربین را می‌چیند، مثلاً مادربزرگ (احتمالاً با توجه به سن و عدم همکاری یا هماهنگی...) در نماهایی دورتر است، عمه مؤثر، نزدیک و با دیالوگ بیشتر و در نهایت خاله، به جهت خوش‌زبانی، پردیالوگ‌تر گرفته یا تدوین شده‌اند. کارگردان با پرهیز از قضاوت شخصی و بردن فیلم به سمت فضایی صرفاً حسی، در هر مکان و زمانی که لازم باشد واقعیت را روایت می‌کند. در انتها هنگامی که مصطفی و تماشاگر چاره‌ای جز پذیرش وضعیت مادر- که خود قربانی شرایط است- ندارند، تدوین درست صدای مادر از پشت تلفن که طلب بخشش و آرزوی معتاد نشدن فرزندش را دارد با تصویر لحظه‌ای که مصطفی در دل شب به حاشیه شهر رفته و از کنار معتادان می‌گذرد، همراه شده است که از پایان‌بندی‌های در خور توجه و تأمل است. برخی آدورها در شرایط سخت بیابان، گل می‌دهند.

در پایان سیزدهمین جشنواره «سینماحقیقت»

بهترین مستند سال نصیب «گلوله باران» با موضوع تکفیری‌ها شد

■ محمدصادق عابدینی

مستند «گلوله باران» به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس، جایزه بهترین مستند سیزدهمین جشنواره سینمای مستند ایران را به دست آورد.

در مراسم اختتامیه جشنواره سینما حقیقت، حسین انتظامی رئیس سازمان سینمایی جایزه بهترین مستند این دوره از جشنواره را به «گلوله باران» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی اهدا کرد. شعبانی نیز جایزه خود را به همه مستندسازان شهید مانند شهید هادی باغبانی تقدیم کرد. مستند نیمه‌بلند «گلوله باران» که درباره جنگ با تکفیری‌ها در سوریه است، علاوه بر جایزه بهترین مستند جشنواره سینما حقیقت، جوایز بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند و بهترین تدوین را از آن خود کرد.

در اختتامیه جشنواره سینما حقیقت، جایزه بهترین فیلم هنر و تجربه به مستند، به طور مشترک به مستندهای «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «خط باریک قرمز» اهدا شد. خط باریک قرمز، همچنین جایزه آسیب‌های اجتماعی را از معاونت اجتماعی نیروی انتظامی دریافت کرد. مستند «صد سال تنهایی» موفق به کسب جایزه شبکه مستند شد. در بخش کارآفرینی مستندهای «خودکار»، «من می‌خواهم شاه بشم» و «رؤیای آب» برگزیده شدند. در بخش بین‌الملل جشنواره سینما حقیقت، تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی به فیلم «و آنگاه شب فرا می‌رسد» ساخته مایا نواکوویچ تولید کشورهای صربستان و بوسنی اهدا شد. نواکوویچ که در ایران حضور نداشت طی یک پیام ویدئویی با ابراز خرسندی از دریافت این جایزه گفت: کاش در جمع‌تان بودم و دوستت دارم ایران! جایزه بهترین کارگردانی مستند کوتاه نیز شامل تندیس جشنواره به فیلم «آشو» به کارگردانی جعفر نجفی از ایران اهدا شد. جعفر نجفی پس از دریافت جایزه بهترین کارگردانی مستند کوتاه گفت: خیلی خوشحالم این جایزه را در بخش بین‌الملل می‌گیرم، به عوامل تبریک می‌گویم و جا دارد از کسی که برایم دانشگاه، سینما و همه چیز من بوده است، فریدون نجفی، برادرم قدردانی کنم.

هیئت داوران بخش جایزه شهید آوینی که عبارت بودند از سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، مسعود فراستی، مهدی قربان‌پور، تندیس طلایی شهید آوینی را به فیلم «پیرمرد و خواننده» اهدا کردند. در این بخش فیلم‌های «خاطرات موتورسیکلت» و «کاست» به ترتیب تندیس نقره‌ای و برنزی را دریافت کردند. مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» بر اساس نتایج آرای مردمی به عنوان بهترین فیلم جشنواره انتخاب شد و مستندهای «صحنه‌هایی از یک جدایی»، «تارهای ممنوعه»، «خط باریک قرمز» و «آدور» در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

سینما

مظفری در گفت‌وگو با «جوان»:

سینما و تلویزیون درباره محیط‌زیست کم‌کاری کرده‌اند

آلودگی هوای تهران و برخی کلانشهرها معضلی است که همچنان هیچ تلاش جدی‌ای برای حلش صورت نمی‌گیرد و متأسفانه سینما و تلویزیون هم برای آسیب‌شناسی این معضل، تولیدات جدی نداشته‌اند.

مجید مظفری بازیگر سینما و تلویزیون با اظهار این مطلب به «جوان» گفت: مشخص است که وقتی همه چیز متمرکز به تهران شود، هم گرانی و تورم به همراه دارد و هم شلوغی و آلودگی‌هایی که نفس شهر را می‌گیرد و فعالان آثار نمایشی برای اهمیت این مسائل تولیداتی که بتواند تاثرگذار باشد، نداشته‌اند. مظفری ادامه داد: یکی از اساسی‌ترین کارهای فرهنگی باید تولید فیلم و سریال‌هایی باشد که همین معضلات را به بهترین شکل آسیب‌شناسی کند ولی بدبختانه چنین آثاری کم تولید می‌شود یا اصلاً تولید نمی‌شود و همه گرفتار کلیشه‌های هزاران بار امتحان شده‌اند.

بازیگر «در مسیر تندباد» و «تنوره دیو» با مخاطب قرار دادن سینماگران گفت: سینما می‌تواند هم به صورت جدی و هم به صورت طنز معضلات کلانشهرها و همین آلودگی هوا را مورد واکاوی قرار دهد. این همه سینماگر مدعی رئالیسم اجتماعی داریم، چرا یکی نمی‌آید و یک درام واقع‌گرایانه درباره اثرات آلودگی هوا بر زندگی مردمان کلانشهرها بسازد؟

توصیه قاسم زارع بازیگر «آژانس شیشه‌ای» به دولتمردان

فیلم «زنده باد زاپاتا» را حتماً ببینید

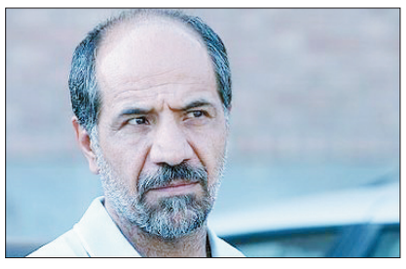

مشکلات اقتصادی جامعه برای همه اقشار است و هنرمندان را هم درگیر کرده ولی کو گوش شنوا و کدام تهیه‌کننده را دیده‌اید که برای همدلی هم که شده خانه و زندگی‌اش را به مناطق حاشیه‌ای ببرد تا برای تولید اثر درک بهتری از شرایط داشته باشد.

قاسم زارع بازیگر سینما با بیان این مطلب به «جوان» گفت: سینما و تلویزیون روزهای خوبی را نمی‌گذرانند چون سرمایه‌های پاک در سینما کمیاب شده و صاحبان سرمایه‌های مشکوک هم به طور عادی اغلب به سمت تولید محصولاتی می‌روند که کارکرد فرهنگی‌شان پایین است.

بازیگر کاراکتر «احمد کوهی» در درام ماندگار «آژانس شیشه‌ای» ادامه داد: این حجم از گرانی و مشکلات اقتصادی پیرامون جامعه را ببینید، چرا این مشکلات نمود چندانی در سینما و تلویزیون و شبکه خانگی ما ندارد؟ جز این است که تولیدکنندگان ما خودشان به اصطلاح لاکچری زندگی می‌کنند و عطش بالایی نشان می‌دهند برای نمایش طبقه مرفه بی‌درد؟

قاسم زارع افزود: متأسفانه در نبود رسانه‌های قدرتمند سراسری، ثبات اقتصادی جامعه هم روزبه‌روز کمتر می‌شود و جز معدودی که به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسند، بقیه هنرمندان هم به شدت مشکل دارند.

بازیگر «آواز قو» و «اخراجی‌ها» خاطرنشان ساخت: این وظیفه سینما و تلویزیون است که تولیداتشان را با نقد ریشه‌های وضع موجود، پیش ببرند. اگر سالی پنج فیلم مستند یا داستانی قوی درباره ریشه‌های وضع موجود اقتصادی تولید شود، یقین بدانید که هم دستگاه قضا در برخورد با رانتخواران دلگرم‌تر خواهد شد و هم مردم انگیزه بیشتری در برخورد با فسادهای قابل مشاهده پیدا خواهند کرد. این بازیگر ۶۲ساله تأکید کرد: ضربه‌ای که مفسدان اقتصادی به ملت و دولت و نظام می‌زنند از ضربات تحریم خارجی‌ها بدتر است. اینها دشمنان واقعی هستند و کاری کرده‌اند که داشتن یک شغل مناسب برای جوانان، یک رؤیای دست‌نیافتنی شده است. بازیگر «فرزند خاک» و «مزرعه پدری» خاطرنشان ساخت: من فقط یک خواهش از مسئولان دارم و آن هم اینکه فقط به مدت چهار سال قیمت ارزاق عمومی را ثابت نگه دارند و اگر قادر به چنین کاری نیستند خیلی سریع جایشان را به مدیران جهادی باانگیزه دهند.

قاسم زارع با اشاره به تاثیرپذیری سینمای مطرح دنیا از اتفاقات اجتماعی گفت: من به عنوان یک هنرمند یک توصیه به مسئولان دارم و آن هم اینکه حتماً فیلم «زنده باد زاپاتا» را نه یک بار بلکه چند بار ببینند.